



## ضرورت اصلاح الگوی کشت در مناطق کوهستانی زاگرس ایران و توجه به جایگزینی گیاهان دارویی با در نظر گرفتن تغییرات اقلیمی ناشی از انتقال بی رویه آب

عبدالله زمانی تونی<sup>1</sup>

۱- دانشگاه پیام نور تهران غرب، دانشکده مدیریت، گروه علوم انسانی، رشته مدیریت دولتی، گرایش مدیریت تحول

آمنه اصفهانی<sup>2</sup>

۲- دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، گروه علوم انسانی، رشته ادبیات فارسی

### چکیده :

الگوهای کشت در این منطقه به طوری کارآمد و غنی بود که قطب تولید کشاورزی در کشور محسوب می شد اما در طی سالیان اخیر تحت تاثیر تغییرات اقلیمی ناشی از دستکاری در شرایط محیط زیستی قرار گرفته است که از جمله آن می توان به ساخت سدهای غیرکارشناسی در بالادست اراضی کشاورزی که بدون بهره برداری مناسب برای کشاورزی بوده و یا انتقال آب های منطقه به مناطق کویری برای توسعه صناعی نظیر فولاد و ... اصلاح الگوهای کشت برای کشاورزی پایدار از جمله پتانسیل های مهم و ارزشمندی که در منطقه کوهستانی زاگرس وجود دارد، قابلیت استفاده از گیاهان دارویی است، که می تواند به بهبود وضعیت بهداشتی و درمانی محلی ها کمک کند. این پژوهش از اهمیت فراوانی برای درک ظرفیت تطابقی با تغییرات اجتماعی و اقلیمی در جوامع روستایی که معیشت آنها بستگی به کشاورزی و منابع محلی دارد، برخوردار است.

### کلمات کلیدی :

منطقه کوهستانی زاگرس، گیاهان دارویی، اصلاح الگوی کشت، تغییرات اقلیمی

### مقدمه :



در اوایل قرن بیستم، منطقه کوهستانی زاگرس به عنوان یکی از مناطق مهم کشاورزی در ایران شناخته شد. الگوهای کشت در این منطقه به طوری کارآمد و غنی بود که قطب تولید کشاورزی در کشور محسوب می شد اما در طی سالیان اخیر تحت تاثیر تغییرات اقلیمی ناشی از دستکاری در شرایط محیط زیستی قرار گرفته است که از جمله آن می توان به ساخت سدهای غیرکارشناسی در بالادست اراضی کشاورزی که بدون بهره برداری مناسب برای کشاورزی بوده و یا انتقال آب های منطقه به مناطق کویری برای توسعه صنایعی نظیر فولاد و ... اشاره کرد. در صورتی که می توان با تخصیص منابع آبی صحیح برای کشاورزی و همچنین ترغیب جامعه برای توسعه کشاورزی صنعتی از نظر بهره برداری در صنعت کشاورزی در بهترین شرایط قرار گرفت. اما متأسفانه اینگونه تحولات منفی باعث کاهش بهره‌وری زمین و کاهش تنوع گیاهی شده است. ناحیه‌های کوهستانی زاگرس، به عنوان یکی از مناطق مهم ایران، از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی اهمیت چندگانه‌ای دارند. بررسی‌های علمی مبتنی بر شواهد نشان می‌دهد که تغییرات آب و هوایی و اقتصادی به عنوان عوامل اساسی در تهدید و آسیب رساندن به منابع زیست محیطی و معیشت مردم در این نواحی تاثیرگذار هستند. اطلاعات موجود و دانش جمع شده در مطالعات، از اهمیت چقدری کمتری درک از نحوه تأثیر تغییرات آب و هوایی بر منابع معیشت در اراضی کوهستانی زاگرس دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که کشاورزی و منابع محلی، به‌ویژه برای جوامع روستایی که معیشت آن‌ها وابسته به کشاورزی و منابع محلی می‌باشد، از اهمیت چند برابری برخوردارند. این اطلاعات موجود، می‌توانند به عنوان پایه‌ای اساسی برای شناخت بهتر و متقابل با ظرفیت‌های تطویرپذیری جوامع روستایی در نواحی کوهستانی زاگرس مورد استفاده قرار گیرند و همچنین به واضح کردن نقاط قدرت و ضعف این جوامع در کاهش آسیب‌پذیری آنها، کمک کنند. حضور در منطقه محدودیت دسترسی به اطلاعات کلان، مانند تحقیقات پیشین در این حوزه، می‌تواند سد راه برای ادامه مطالعات بر روی این مناطق ایجاد کرده باشد.

## روش تحقیق

از نظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات، این تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی است و از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اسنادی می باشد.

مبانی نظری پژوهش :



وضعیت نامناسب منابع آبی و خشکسالی در چند سال اخیر تبدیل به بحرانی شده است و با همزمانی با دیگر مسائل اقتصادی و اجتماعی این معضل بیشتر رنگ سیاسی به خود گرفته و به یک امر سیاسی تبدیل شده است. از طرفی ناپایداری و عدم توازن در توسعه کشور، مدیریت ناصحیح و ناعادلانه منابع آب در کشور یکی دیگر از این عوامل است. نگاه نادرست توسعه ای که متأثر از نگاه مرکز گرا می باشد باعث شده که منابع آبی کشور را به سمت ناعادلانه ای هدایت کرده و با به خطر انداختن صنعت پردرآمد و استراتژیک کشاورزی زنگ خطر را برای آیندگان به صدا درآورد.

تجربه انتقال آب در ایران به خوبی نشان می دهد، طرح هایی از این دست، نهایتاً منجر به خشکی رودخانه ها، تالاب ها، دریاچه ها و نهایتاً به تغییر کاربری خطرناک زمین منجر می شوند که در نهایت زندگی در بخش هایی از زمین را با خطر مواجه می کند. با این حال این طرح ها همچنان در دولت های مختلف تصویب و اجرایی می شوند.

کمیسیون بین المللی سدهای بزرگ؛ مخاطرات جدی پیچیده و چندوجهی اجرای چنین طرح هایی را برشمرده است و در بولتن خود به این موارد اشاره کرده است که احداث سدها و تأسیسات انتقال آب ممکن است سبب جابه جایی سکونتگاه ها در محدوده طرح شود که خود موجب از دست دادن معیشت و همچنین تنش اجتماعی متأثر از اسکان مجدد گردد، همچنین تغییر مورفولوژی ساحل رودخانه، تغییر کیفیت آب و اکوسیستم ساحل رودخانه در بازه های پایین دست سدها و حوضه های پذیرنده بر منابع قابل استفاده از رودخانه و فعالیت های توسعه ای در حاشیه رودخانه تأثیر می گذارد و در نهایت می تواند به شکلی گسترده بر کاهش و یا از دست رفتن روش های سنتی معاش، شامل کشاورزی، صید آبیان، پرورش دام، جمع آوری چوب و محصولات جنگلی باشد. (سدها و انتقال آب، بولتن ۱۶۱: ۱۳۹۵).

اثرات چنین طرح هایی بر محیط زیست و شرایط زندگی افراد می تواند فوری و یا بلندمدت باشد، برای مثال در جابه جایی افراد منطقه و اسکان مجدد آن ها (که البته در غیاب ارائه حمایت های قانونی، فراهم نمودن معیشت پایدار، پاسخگویی و ارائه تعهدات از سوی دولت و مجریان و ذینفعان پروژه، در بسیاری از موارد هیچ طرحی برای اسکان ایشان وجود ندارد و چنان جمعیتی آواره، سرنوشتی نامعلوم پیدا می کنند. غالباً منابع و وسایل معاش افراد نظیر زمین های کشت، جنگل ها، مراتع، آب های زیرزمینی و سطحی، شیلات و غیره از دست ایشان رفته می شود و متعاقب آن در کوتاه مدت و بلندمدت موجب بحران های عمیق معیشتی، اعم از کاهش استانداردهای زندگی، عدم امنیت غذایی و فقر و بیکاری گسترده می شود. در بُعد فرهنگی نیز این جابه جایی های اجباری، غالباً به در هم شکستن مناسبات اجتماعی و فرهنگی ایشان و قطع شدن پیوندهای معنابخش با زیست بوم آن ها می شود به گونه ای که معمولاً در اسکان مجدد نیز موفق به برقراری پیوندهای اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی نخواهند بود و در وضعیتی مطرود و حاشیه ای به زندگی محدود خود ادامه می دهند.



به این نکته نیز باید توجه کرد که پرمصرف ترین حوزه در مصرف آب مربوط به صنعت کشاورزی است به طوری که میزان استفاده این حوزه از منابع آبی تقریباً تا ۹۲ درصد می باشد که این امر باعث چشمداشت کشاورزان غیر بومی سوداگر گردیده و برای کسب درآمد بیشتر به استان های زاگرس مرکزی مانند لرستان آمده و با کشت خود سرانه و بدون برنامه محصولات آبدوست منابع آبی باقیمانده را به یغما برده اند. این سودجویان با اجاره زمین های مرغوب استان های غربی علاوه بر اینکه فرصت های شغلی را از ظرفیت استان گرفته اند، اراضی کشاورزی و ذخایر آبی موجود را نیز در معرض خطر قرار داده اند. از این رو به ناچار برای حفظ و احیای منابع آبی منطقه می بایست گام هایی بر خلاف جهت مافیای آب و سوداگران اقتصادی در صنعت کشاورزی برداشت که از مهم ترین آن ها حفظ و نگهداری منابع آبی و توسعه کشاورزی محصولات کم برخوردارتر از آب (غیر آبدوست) است. از مهمترین و اساسی ترین راهکارها می توان به اصلاح الگوی کشت از کشت سنتی به کشت گیاهان دارویی اشاره کرد که هم از نظر اقتصادی بسیار شرایط بهتری در پی داشته و هم از نظر حفظ منابع آبی و خاکی تاثیر به سزایی دارد. در ادامه به بررسی چرایی و چگونگی ضرورت کشت گیاهان دارویی پرداخته که از منظر نگارنده می تواند برای الگو قرار دادن این تغییر سبک کشاورزی بسیار حائز اهمیت باشد.

یکی از مهمترین مشکلات جهانی حفاظت از گیاهان است. برای کنترل آفات و بیماری های گیاهی به طور مداوم از سموم شیمیایی استفاده می شود و ماهیت آنها سلامت کشاورزان، مصرف کنندگان مواد غذایی و حیوانات را به خطر می اندازد. اثرات منفی سموم منجر به تجدید علاقه به ترکیبات گیاهی شده است. در گذشته از گیاهان و اجزای آن در طب سنتی استفاده می شده است. امروزه گیاهان دارویی نقش حیاتی در پیشبرد اهداف ملی، منطقه ای و جهانی برای تحقق سلامت، حفظ محیط زیست، خود کفائی، ایجاد اشتغال، کارآفرینی و توسعه اقتصادی دارد. از طرفی، نقش گیاهان دارویی در مراقبت از سلامتی و درمان بیماری ها از یک دیدگاه جدید در منطقه مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل، بررسی و ارتقاء الگوهای کشاورزی در مناطق کوهستانی زاگرس و بررسی پتانسیل گیاهان دارویی در این منطقه اهمیت زیادی دارد. این تحقیق نیازمند بررسی عمیق در این زمینه است تا بتوانیم به نتایج گزینشی واقعی دست یابیم. زمینه ی مناطق کوهستانی زاگرس شکل های کشت فعلی در مناطق کوهستانی زاگرس تأثیر مستقیمی بر محیط زیست و اقتصاد منطقه دارند. گیاهان دارویی مثل اکالیپتوس، رزماری، دارچین، آویشن، میخک، زنجبیل، مریم گلی، پونه کوهی، نعنای فلفلی، اسطوخودوس، نعنای ریحان و مرزنجوش مثالهایی از استفاده از گیاهان دارویی برای محافظت از گیاهان در برابر آفات و بیماریها هستند و برخی اثراتی همانند و یا حتی بهتر از سموم شیمیایی نشان داده اند. بنابراین اسانس گیاهان دارویی را می توان به عنوان جایگزینی ارزان، سازگار با محیط زیست، ایمن و کارآمد برای سموم شیمیایی استفاده کرد. بررسی ها نشان می دهد که برخی از مزارع در این مناطق به دلیل کاهش حاصلخیزی خاک و نیز کاهش منابع آب، با چالش هایی مواجه هستند. برخی از کشاورزان نیز به دلیل افزایش هزینه های تولید و نیز تغییرات اقلیمی، به دنبال راه حل های مناسب برای بهبود فعالیت های کشاورزی خود هستند. مطالعات نشان داده اند که استفاده از الگوهای کشت مناسب و مستدام، می تواند به افزایش بهره وری و کیفیت محصولات کشاورزی این مناطق کمک کند. علاوه بر این، برخی گیاهان



دارویی نیز به طور وسیع در این مناطق کشت می شوند که می توانند جایگزینی مناسب برای محصولات سنتی باشند. به طور کلی، اصلاح الگوهای کشت در مناطق کوهستانی زاگرس نه تنها می تواند به بهبود وضعیت کشاورزی منطقه کمک کند، بلکه می تواند پتانسیل های گیاهان دارویی را نیز بیشتر به صورت پرورش خورده معرفی کند. الگوهای کشت فعلی در مناطق کوهستانی زاگرس یکی از راه های اصلی برای اصلاح الگوهای کشت در مناطق کوهستانی زاگرس، تحقیقات بیشتر بر روی گیاهان دارویی موجود در این منطقه است. بسیاری از گیاهان دارویی که در زمینه پزشکی و طب سنتی کاربرد دارند، در این منطقه رشد می کنند و می توانند به عنوان یک منبع درآمدی مهم برای کشاورزان باشند. از این رو، تحقیقات بیشتری بر روی نگاه جدید به کشت گیاهان دارویی باید انجام شود به منظور ارتقاء تولید و استفاده بهینه از این منابع طبیعی. همچنین، این اقدام می تواند به حفظ تنوع زیستی و حفاظت از محیط زیست در این منطقه کمک کند. از این رو، اصلاح الگوهای کشت به منظور توسعه کشاورزی پایدار و موثر، نیازمند تلاش های تحقیقاتی گسترده و همکاری بین نهادهای علمی و کشاورزی می باشد. اصلاح الگوهای کشت برای کشاورزی پایدار از جمله پتانسیل های مهم و ارزشمندی که در منطقه کوهستانی زاگرس وجود دارد، قابلیت استفاده از گیاهان دارویی است، که می تواند به بهبود وضعیت بهداشتی و درمانی محلی ها کمک کند.

تحقیقاتی که به روشی یکپارچه و مشارکتی در دو جامعه مشابه از منطقه های زراعی مختلف انجام شده، به وضوح نشان می دهند که اطلاعات فراهم شده و تجربیات به دست آمده در مورد تأثیر تغییرات اقلیمی بر منابع کشاورزی در بولیوی نیز اشاره شده است. این پژوهش از اهمیت فراوانی برای درک ظرفیت تطابقی با تغییرات اجتماعی و اقلیمی در جوامع روستایی که معیشت آن ها بستگی به کشاورزی و منابع محلی دارد، برخوردار است. همچنین، مخاطبی بین المللی از این تحقیقات بهره مند خواهد شد. از این زاویه، ارزیابی ظرفیت تطابقی با تغییرات اجتماعی و اقلیمی، به ویژه در مناطق روستایی مهمی از پژوهش های علمی است که توجه به میراث های محلی و سنت های محیطی را متمرکز می سازد، و از تجربیات گذشته در مواجهه با گرفتاری ها و راه کارهای موجود برای تطابق با چالش های جدید بازنگری می کند، از جمله بهبود کیفیت زندگی، تولید محصولات زراعی، آموزش، سازماندهی اجتماعی و بهبود سلامت. بررسی ظرفیت گیاهان دارویی در مناطق کوهستانی زاگرس به طور خلاصه، با توجه به نتایج این تحقیق، مشخص است که اصلاح الگوهای کشت در مناطق کوهستانی زاگرس می تواند آثار بسیار مثبتی بر رشد و توسعه کشاورزی و بهره برداری از ظرفیت های گیاهان دارویی داشته باشد. از جمله محدودیت های موجود در این تحقیق می توان به کمبود اطلاعات مربوط به روش های کشت بهینه و نحوه بهره وری از گیاهان دارویی اشاره کرد که نیاز به تحقیقات بیشتر و گسترده تر را لازم می سازد. از آنجا که این منطقه دارای پتانسیل بالقوه برای تولید گیاهان دارویی است، پیشنهاد می شود که بطور جدی به ارتقاء دانش و تکنولوژی مورد نیاز برای بهره وری بهینه از این منابع مورد توجه قرار گیرد.

منابع :

گیاهان دارویی جهان نوشته ی بن اریک فون ویک و مایکل وینک

کشت گیاهان دارویی، نوشته ی فواد فاتحی و سیده حسیه حسینی

References: Vidaurre de Mulczyk, Marolyn, "Adaptive Capacity of Rural Communities to Climate Change in the Andes – Bolivia", 2016 Dupraz, Christian (ed.), Gosme, Marie (ed.), Lawson, Gerry (ed.), "Book of abstracts, 4th World Congress on Agroforestry", 2019 Pedro Regato Pajares, "Highlands and Drylands" Food & Agriculture Organization of the UN (FAO), 2011